

## چکیده محتوایی

از چالش‌های جدی فراروی اندیشمندان مسلمان، وجود احادیثی در نکوهش زنان است که بازپژوهی آنها می‌تواند نقش موثری در تبیین جایگاه زن در اندیشه اسلام داشته باشد. روایتی که زن را شر معرفی می‌کند، از این جمله است. این حدیث در بین مصادر حدیثی و تاریخی، اولین بار در نهج‌البلاغه و با مفهومی مشابه در کتب متأخر از نهج‌البلاغه آمده است. فارغ از مباحث سندی، ابهام در دلالت روایت، دیدگاه‌های متفاوتی را در مواجهه با این روایت شکل داده است؛ برخی روایت را جعلی دانسته و برخی آن را مطلقاً پذیرفته‌اند. خارجی‌بودن قضیه و عرضی بودن مفهوم شر، نیز برای در امان ماندن از ابهام روایت، نقل شده است. به نظر می‌رسد ضعف سندی از یک سو و عدم سازگاری این حدیث با آموزه‌های قرآن و سایر روایات و نیز تعارض با سیره عملی معصومین از سوی دیگر، مانع از انتساب این حدیث به امام علی (ع) خواهد بود. حدیث «المرأة شر کلها» از جمله احادیثی است که اولین بار سیدرضی در نهج‌البلاغه از امام علی (ع) نقل کرده است. محتوای مذمت‌آمیز این روایت، علاوه بر اینکه استناد آن را به امام معصوم با تردیدی جدی مواجه کرده است، زمینه‌ساز تاویل‌ها و تفسیرهای متفاوتی نیز شده است. بررسی در منابع حدیثی شیعه و سنی حکایت از وجود ارسال در این روایت و نهایتاً ضعف سندی آن دارد. علاوه بر اینکه در هیچ کدام از اسناد عالمان سنی و شیعی، سندی قبل از سید رضی مبنی بر اینکه این حدیث از امام علی (ع) باشد، ذکر نشده است. فارغ از ضعف سندی روایت، عده‌ای از شارحان و مفسران نهج-البلاغه، تلاش کرده‌اند تا با تبیین‌هایی ویژه، محتوای تحقیرآمیز این روایت را با فضای حاکم بر ادبیات دینی سازگار کنند. به همین جهت برخی مفهوم شر را عرضی و نسبی دانسته، برخی نیز مصادیق آن را محدود کرده‌اند و عده‌ای دیگر محتوای آن را جعلی دانسته و صدور آن را از امام علی (ع) رد کرده‌اند. به نظر می‌رسد علاوه بر ضعف سندی، تعارض محتوای این حدیث با گزاره‌های فاخر قرآنی مانند گزاره‌های ناظر به امکان الگوگیری همه انسان‌ها از برخی از زنان و نیز معرفی زن به عنوان قرین و مکمل مرد از یکسو و تعارض با روایات اهل بیت (ع) و نیز با سایر روایاتی که در زمینه مدح و تمجید از زنان از امام علی (ع) نقل شده است، از سوی دیگر، مانع از انتساب این حدیث به امام علی (ع) باشد. به نظر می‌رسد انتساب حدیث المرء شر کلها به امام علی علیه‌السلام صحیح نبوده بلکه این کلام یا از مأمون عباسی یا برخی از حکما نقل شده باشد که به اشتباه سید رضی آن را به امام علیه‌السلام نسبت داده است. عدم وجود هیچ مستند دیگری غیر از نهج‌البلاغه برای این حدیث که از حیث سندی به عنوان اولین معیار برای فهم انتساب احادیث به معصومین و نیز وجود آیات متعددی که از جهت محتوایی مفهومی متفاوت از این کلام را می‌رسانند، موجب شده است وجود دارد که در انتساب احادیثی از این دست به معصوم تردید کرد. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ملک 2، طلاق 12، نحل 97، مجادله 11؛ زمر 9، حجرات 13، توبه 71، نحل 97، بقره